

در حال حاضر اتحادیه اروپا، بزرگترین شریک تجاری چین است. آمریکا چند ده برابر ایران با چین کار می کند. چین اقتصادی است که امتیاز و قدرت این را دارد تأمین تکنولوژی، ماشین آلات و کالایی برای همه دنیا بکند؛ ما نیز مجبوریم با این واقعیت کنار بیایم

ایجاد می شود، چین نسبت به سایر شرکای تجاری شرایط سهل تری برای ما قائل می شود. نمی گویم رابطه ایران و چین ایده آل است، دو کشور ظرفیت بیشتری در تجارت، همکاری مشترک و سرمایه گذاری دارند؛ حداقل ۲ تا ۳ برابر ظرفیت موجود می توان همکاری ها را افزایش داد. اما ما هم محدودیت های خاص خودمان را در عرصه بین المللی، منابع ارزی و فروش نفت داریم.

رابطه کشورهای عربی با چین چگونه است؟ آیا عربستان رقیب ایران شده است؟

ایران و چین رابطه سیاسی قوی با یکدیگر دارند و اگر هم نداشتند به دلایل اقتصادی باید این رابطه بیش از گذشته تقویت شود. اکنون امارات و عربستان در اردوگاه سیاسی غرب هستند اما شریک اول تجاری شان، چین است و متأسفانه حجم تجارت شان چندین برابر امروز ما است. تا سال ۲۰۱۴ ایران، شریک اول تجاری چین در منطقه خلیج فارس بود. امروز به دلیل بحث های اقتصادی ناشی از سیاست های تحریمی که به شکل یکطرفه بر ایران اعمال شده است و مشکلاتی که در مسیر کشتیرانی و فروش نفت پدید آمده ما عملاً شریک پنجم تجاری چین شده ایم و عربستان جای ما را گرفته است و هیچکس هم در عربستان نمی گوید که دولت سعودی خاک خود را به چین فروخته است و یا نفت اش را مجانی به چین می دهد؛ همان حرف هایی که برخی ها در تعامل تجاری ایران و چین می زنند. در مورد امارات و قطر هیچکس چنین حرف هایی رانمی زند و روز به روز این کشورها سطح تعاملات خود را با چین افزایش می دهند.

هرمیزان که رابطه سیاسی ایران با کشورهای به سمت ثبات و تنش کمتر حرکت کند، قطعاً مبادلات بیشتری با چین خواهیم داشت و کمالینکه در آخرین سفر رئیس جمهور چین به ایران در سال ۲۰۱۶ هدف گذاری که صورت گرفت این بود که مبادلات تجاری دو کشور طی ۱۰ سال یعنی ۲۰۲۶ به طور متوسط به سالی ۶۰ میلیارد دلار برسد اما به خاطر تنش های تحریمی این امر محقق نشد.

همه تصور می کنند که اگر ارتباط با کشورهای غربی داشته باشیم، برای توسعه ایران بهتر است، شما در این خصوص چه نظری دارید؟

درست است که اقتصاد از سیاست اثر می گیرد، اما در نهایت اقتصاد و تجارت مسیر و راه خود را پیدا می کند، عربستان که از نظر سیاسی در

اردوگاه غرب است دسترسی به اروپا و آمریکا دارد اما بیشترین مبادلات تجاری را چین دارد، چرا که اقتصادهایی مانند ما و عربستان که مبتنی بر صادرات انرژی و مواد خام است و نیازهای تکنولوژی و ماشین آلات برای واردات دارند، به طور طبیعی باید با چین کار کنند. علاوه بر ایران و عربستان، چین با حدود ۱۳۰ کشور شریک اول تجاری است. واقعیتی به نام اقتصاد چین منهای تمام خوبی ها و بدی های روابط سیاسی، کشورها را موظف می کند که با چین کار کنند. در حال حاضر اتحادیه اروپا، بزرگترین شریک تجاری چین است. آمریکا چند ده برابر ایران با چین کار می کند. چین اقتصادی است که امتیاز و قدرت این را دارد تأمین تکنولوژی، ماشین آلات و کالایی برای همه دنیا بکند؛ ما نیز مجبوریم با این واقعیت کنار بیایم. رابطه سیاسی ما با روسیه چه در حوزه سیاست منطقه ای، نظامی و امنیتی، بیشتر است و حتی همسایه ما هست و این یعنی منافع مشترک دو کشور بسیار بیشتر است، چندین سال است که دو طرف اظهار تمایل می کنند که همکاری اقتصادی با یکدیگر داشته باشند اما هیچ وقت این رابطه از عدد ۳ میلیارد دلار فراتر نرفته است. چرانی شود؟ برای این است که اقتصاد دو کشور فرقی باهم ندارند. اقتصاد ایران و روسیه شبیه هم هستند؛ آن چیزی که ما به دنیا صادر می کنیم همان چیزی است که روسیه به سایر کشورهای صادر می کند و آن چیزی که روسیه نیاز دارد، همان چیزی است که ایران آن را وارد می کند. در نتیجه هر چقدر هم که روابط سیاسی خوب باشد باز هم نمی توان امیدوار به توسعه روابط تجاری بود. این در حالی است که ما با چین در بدترین شرایط تحریمی حداقل ۲۴ میلیارد دلار کار می کنیم. این نشان می دهد که دلیل اصلی تجارت ما با چین یک دلیل قوی اقتصادی است و در این میان رابطه سیاسی خوب هم کمک می کند.

چینی ها به سرمایه گذاری در ایران علاقه مند هستند؟

منافع بنگاهی هر زمانی ممکن است با منافع سیاسی متفاوت باشد، از نظر چینی ها ایران منطقه ای مناسب برای سرمایه گذاری بوده و یک شرکت چینی حاضر است باتوجه به منافع بنگاهی خود وارد ایران شود. به عبارت دیگر ظرفیت سرمایه گذاری مشترک بین ایران و چین وجود دارد و چینی ها تمایل دارند که سرمایه های بیشتری به ایران وارد کنند و به نظر بنده در چند ماه آینده این اتفاق رخ خواهد داد بخصوص از طرف شرکت هایی که چندان